

مبارک و معجز مثل چهل ریش و فخری مثل چهل رقص و چهل قهر
 می از نار باین من درین روایات که اشک
 مقصود بیان غم است نه تعریف هر روایت کرده است
 ترجمی ازین معنی که رسول خدا فرمود که بدست کسی که
 زبان و تاد و فرسخ برزقی است و اثنی عشر و اوطی نماید
و اما تعزیر اهل نار بر دو گونه است یکی تعزیر بناریک
 طالع شود بر اول روح ایشان قال الله تعالی ناد الله
 الموقدة التي تظلم علی الاقدار و این نار را
 جهل مرکب است که جهل مرکب بر اهل نار ظاهر شود
 نار و سوزاند دل او روح را و این غراب است جمیع
 غدا بهمانند و باطنش در دیکر تعزیر با تش است که
 سوزاند و باطن را و این نیز منتهای سوز روح و قلب است
 غراب و جهنم اند و کافر و منافق در درگاه اسفل از نار با

قال

قال الله تعالی ان المتأهقین فی الدار الا سفلی
 من النار **و چون** اهل نار بنار و در این خبر نه نار بگویند
 اهل نار یا تکمیل آیه آنکه بود رسول که نذیر بود ازین غدا
 بگویند اهل نار بلی قد جاءنا نذیر فلذنا و قلنا ما
 نزالله من شیء ان انتم الا تکذبون بلی آنکه
 ما را نذیر پس بگویند که ایم با این نذیر را نه نازل کرده
 است جزیرا نیست شما که کاذب که کذب بگویند **و چون**
 در نار مبتلا شوند با انواع عذاب با هر تخم کن و گویند
 بعضی اتباع بودند بعضی که متبوع بودند آنکه کینه
 تا تو نتوانی الیمین بر سرش کشا می آید ما را بقدر
 پس بگویند متبوعان بل لم تکنوا مؤمنین و ما
 کان لنا علیکم من سلطان بل کنتم قومًا طغیان
 فحق علینا قول ربنا انما لایقون فاغوینا لم

Copyright © King Saud University